

زنان و دگرگونی‌های آینده؛ تحلیلی بر تصاویر ذهنی دختران متولد دهه ۱۳۷۰ از آینده

محسن طاهری دمنه^{۱*}، زهرا حیدری دارانی^۲

چکیده

در دنیایی که تغییر وجه مشخص و ثابت آن است، تغییرات نسلی سرعت بیشتری گرفته‌اند و نسل به مفهومی با عمر کوتاه‌تر از یک دهه تبدیل شده است. متولدان هر دهه سبک زندگی متفاوتی دارند، نیازهایشان متفاوت است و خواسته‌ها و آرزوهای دیگری دارند. از این منظر، مطالعه در ویژگی‌ها و نگرش‌های یک نسل و مطالعات میان‌نسلی برای فهم بهتر رفتارهای اجتماعی و نحوه ساخت واقعیت اجتماعی آینده ضروری است. پژوهش حاضر مطالعه‌ای آینده‌پژوهانه است که به کشف کلان‌روایت‌های شکل‌دهنده به تصاویر آینده در ذهن دختران دانشجوی متولد دهه ۱۳۷۰ پرداخته است. داده‌های این پژوهش از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته به‌دست آمده و با روش‌های کیفی تحلیل مضمون و تحلیل روایت، تجزیه و تحلیل شده‌اند. نتایج تحقیق نشان‌دهنده ۸ کلان‌روایت از آینده در ذهن مصاحبه‌شوندگان است. این کلان‌روایت‌ها به ترتیب: ۱. گام‌های کوچک و تغییرات تدریجی، ۲. گذر از زندگی سنتی به زندگی مدرن، ۳. اجتماع بی‌آینده، ۴. رنگ من، ۵. بهشت وطن، ۶. سهم‌خواهی زنانه، ۷. آینده بی‌جنسیت و ۸. همیشه‌مادر نام گرفتند. در نهایت، یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد که هر چند مصاحبه‌شوندگان مانند اکثر جوانان دنیا با دو مقوله ناامیدی اجتماعی و فردگرایی به‌عنوان تصاویر منفی از آینده مواجه‌اند، سه روایت آینده بی‌جنسیت، پذیرش نقش مادری و تصویر مثبت از آینده ایران نشان‌دهنده نقش سازنده زنان متولد دهه هفتاد در آینده کشور است.

کلیدواژگان

آینده‌پژوهی، تحلیل کیفی، تصاویر آینده، تغییرات نسلی، زنان.

m.taheri@ast.ui.ac.ir

z.heidari@ast.ui.ac.ir

۱. عضو هیئت‌علمی گروه آینده‌پژوهی، دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول)

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد آینده‌پژوهی، دانشگاه اصفهان

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۵/۲۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۲/۱۵

مقدمه و بیان مسئله

تحقق آینده مطلوب در هر جامعه‌ای حاصل مشارکت همه ذی‌نفعان آینده است. زنان، به‌مثابه نیمی از پیکر اجتماع و تربیت‌کنندگان نسل‌های آینده، از ذی‌نفعان و البته سازندگان هر آینده مطلوب قابل تصور برای جامعه ایرانی‌اند. بنابراین، شکل‌گیری هر آینده‌ای به مشارکت این بخش از کنش‌گران جامعه نیازمند است؛ نوعی مشارکت و کنش‌گری که نتیجه احساس تعلق به آینده باشد. از سوی دیگر، کلان‌روندهای آینده بیانگر حرکت دنیا به سمت آینده‌ای زنانه است [۱۷].

عصر جدیدی در حال ظهور است و جامعه صنعتی جای خود را به جامعه اطلاعاتی^۱ و سپس جامعه معناساز^۲ می‌دهد. جوامع صنعتی براساس ارزش‌های مادی از جمله تخصص‌گرایی، رقابت و تمرکزگرایی بنا نهاده شدند؛ درحالی‌که با تغییر جامعه صنعتی به جامعه پسا صنعتی، ارزش‌های اجتماعی تغییر کردند و ارزش‌های جدیدی جایگزین آن‌ها شد. رقابت، که یکی از ارزش‌های اساسی جامعه صنعتی بود، محدود شد و تمرکزگرایی جای خود را به گروه‌های غیرمتمرکز و شبکه‌ای در همه زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی داد. در جهان پیچیده و به‌هم‌پیوسته اطلاعات، تخصص‌گرایی مانع درک پیچیدگی می‌شود و انعطاف‌پذیری جایگزین مناسبی برای آن خواهد بود.^۳ به این ترتیب، جامعه پسا صنعت با ارزش‌های جدید شکل گرفت؛ ارزش‌هایی که به دانش خلق‌شده از فعالیت‌های ذهنی بهای بیشتری می‌دهد تا هر آنچه نتیجه کار فیزیکی باشد. با انتقال مرکز خلق ارزش و ثروت از بازوهای قوی به ذهن‌های خلاق، تفاوت‌های میان زنان و مردان رنگ باخت تا بیش از پیش موانع ورود زنان به همه فعالیت‌های قابل تصور برداشته شود. نتیجه این است که زنان، به‌مثابه گروهی که در جوامع پیشاصنعتی و صنعتی کمتر دیده می‌شده‌اند، در آینده نقش پررنگ و انکارنشده‌ای خواهند داشت [۱۹].

از آنجا که تمرکزگرایی، تخصص‌گرایی و رقابت‌طلبی شدید از ویژگی‌های مردانه است، در اعصار کشاورزی و صنعت مردان موفقیت بیشتری برای به‌دست‌گرفتن امور داشته‌اند. اما در مقابل «شیوه تفکر شبکه‌ای»، «تمایل به برقراری ارتباط» و «انعطاف‌پذیری ذهنی» [۸] از ویژگی‌های ذهنی و فیزیولوژیکی زنانه به شمار می‌آیند که با ارزش‌های عصر پسا صنعت منطبق‌اند. بنابراین، احتمال دارد استعداد‌های ذاتی زنان آینده‌ای زنانه را رقم بزند؛ به این معنا که از آنان رهبران آینده و شکل‌دهندگان به کسب‌وکار و اجتماع آینده را بسازد و کلان‌روند آینده زنانه جهان را شکل دهد و آن را دگرگون کند. شواهدی وجود دارد که نشان از چنین آینده‌ای دارد.

1. Society 4.0
2. Society 5.0

۳. همین پیچیدگی ممکن است باعث شود یک فرد در آینده بارها شغل خود را تغییر دهد.

توانمندسازی زنان با محوریت آموزش و پرورش و آموزش عالی به سرعت در جهان در حال پی‌گیری است. در اکثر کشورها، دسترسی دختران و پسران به آموزش‌های پیش‌دانشگاهی یکسان است و ۵۰ درصد از دانشجویان را در سراسر جهان زنان تشکیل می‌دهند. با وجود این، طبق تخمین یونسکو، زنان حدود ۶۶ درصد از کسانی را تشکیل می‌دهند که در جهان سواد ابتدایی ندارند [۲۵]. زنان ۱۵ درصد از جایگاه‌های هیئت‌مدیره شرکت‌ها در سراسر دنیا را در اختیار دارند که نسبت به سال ۲۰۱۰ رشدی ۵۴ درصدی داشته است و بیش از ۷۰ درصد هزینه‌های مصرفی در جهان را زنان کنترل می‌کنند و این یعنی اثر انکارنشده‌ی زنان بر بازارها [۲۴].

با اینکه در سراسر جهان زنان در کسوت رؤسای دولت هنوز در اقلیت‌اند، این تعداد در طول ۲۰ سال گذشته از ۱۲ نفر به ۲۱ نفر افزایش یافته است. همچنین، در سطح جهانی، عضویت زنان در پارلمان‌ها تا پایان سال ۲۰۱۸ به ۲۴٫۱ درصد رسیده که نشان‌دهنده رشد ۱۳ درصدی نسبت به دو دهه قبل است. در سال ۲۰۱۸، از میان ۲۷۹ پست موجود در جهان، ۵۵ زن به‌عنوان رئیس مجلس در حال فعالیت بودند و ۱۸ درصد از صندلی‌های مدیریت وزارتخانه‌ها را در دست داشتند [۱۵].

در ایران نیز، جمعیت فعال زنان از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۷ روندی روبه‌رشد داشته و سهم زنان از جمعیت فعال طی سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۷، بین ۱۶٫۲ تا ۱۹٫۷ درصد در نوسان بوده است. زنان ایرانی بیش از نیمی از تحصیل‌کردگان دانشگاهی را تشکیل می‌دهند و در بخش تحقیق و توسعه نقشی ۳۳ درصدی دارند [۹]. با وجود این، نرخ بیکاری بین زنان از مردان بیشتر است [۱]. این در حالی است که طبق سند چشم‌انداز ۱۴۰۴، ایران باید در کشورهای منطقه در صدر قرار گیرد و یکی از راه‌های رسیدن به این هدف توجه به پررنگ شدن نقش زنان در همه‌شئون است [۲]. در عرصه سیاسی نیز، برای حضور زنان سناریوهای [۴] مختلفی ترسیم شده که طیفی از مشارکت منفعلانه تا مسئولیت‌پذیری عاملانه را شامل می‌شود و نیاز به اقداماتی اساسی در زمان حال برای بهبود وضعیت مشارکت سیاسی زنان در امور حکومتی را یادآور می‌شود.

براساس آنچه بیان شد، به نظر می‌رسد زنان ایران در مسیری متفاوت برای ساخت آینده گام برمی‌دارند که تا حدی از تغییرات جهانی در عرصه فعالیت زنان تأثیر پذیرفته است و آینده ایران را دستخوش تغییر خواهد کرد. از این منظر، انجام دادن پژوهش‌هایی که نگاه زنان را به گذشته، حال و آینده بررسی کند ضروری به نظر می‌رسد. در این زمینه، پژوهش حاضر، به‌صورت خاص، تصاویر ذهنی زنان متولد دهه هفتاد شمسی از آینده را استخراج و تحلیل کرده است، زیرا زنان متولد این دهه از کنش‌گران اصلی و پیشران‌های تغییر در آینده و تربیت‌کنندگان جوان نسل‌های بعد خواهند بود و ذائقه اجتماعی و سلیقه جمعی و متفاوت این نسل بر سرنوشت جمعی و جهت‌گیری‌های آینده ایران تأثیر می‌گذارد [۷]. پرسشی که پژوهش

حاضر به دنبال پاسخ آن است این است که تصاویر ذهنی زنان متولد دهه ۱۳۷۰ از آینده از چه مؤلفه‌هایی تشکیل شده است؟

تصاویر آینده

تصاویر آینده یکی از ارکان شناخت آینده‌اند. اینکه چرا گروه‌های گوناگون از مردم تصاویر متفاوتی از آینده دارند و چگونه تصاویر متفاوت از آینده به رفتار و واکنش‌های متفاوت در زمان حال منجر می‌شود و چگونه رفتارهای خاص در زمان حال خود به ایجاد تصاویر مختلفی از آینده منجر می‌شود، از پرسش‌های بنیادین در آینده‌پژوهی‌اند [۱۴].

تصاویر آینده نشان‌دهنده انتظارات، پیش‌بینی‌ها، بیم‌ها و امیدهای انسان برای آینده‌اند. آینده‌پژوهان تصاویر آینده را از عوامل تأثیرگذار بر رفتارهای کنونی انسان می‌دانند، زیرا افراد تلاش می‌کنند خود را با آنچه به گمان آن‌ها اتفاق خواهد افتاد سازگار کنند یا به گونه‌ای رفتار کنند که آینده دلخواه خود را بسازند [۱۳].

تصاویر آینده از باورها، آرزوها، عقاید و فرضیه‌هایی از آینده تشکیل شده و ذاتاً نظام‌مند هستند. آن‌ها از دانش ساخته شده و چاشنی‌شان تخیل است. تصاویر آینده با اطلاعاتی در مورد گذشته، مفاهیمی از حال، دانش فرهنگی و اجتماعی، سلیقه شخصی، معیارها، نیازها و همچنین آرزوها، رؤیاها و آرمان‌ها ساخته می‌شوند و به صورت امید، ترس و انتظارات بروز می‌کنند و بر تصمیم‌گیری، انتخاب، رفتار و کنش ما تأثیر می‌گذارند. ما با تصمیمات خود یا می‌خواهیم آینده‌ای را محقق کنیم که تصویر مثبت و مطلوب ما را بپروراند یا تلاش می‌کنیم از وقوع آینده منفی و ناخوشایند اجتناب کنیم [۲۲].

پولاک^۱ معتقد است تصاویر آینده ابزارهای برای مقابله با عدم قطعیت‌های آینده‌اند [۲۱] و تحت تأثیر نگرانی‌های اجتماعی و سیاسی زمان حال، مانند جنگ، فقر، خشونت و تکنولوژی، قرار می‌گیرند [۱۸]. تصاویر آینده روایت‌های مشترکی از یک فرهنگ درباره کیهان، خدا، انسان، جامعه، معنای تاریخ و... در ارتباط با آینده دارند. چنین تصاویری نوعی آگاهی جمعی را نشان می‌دهند که به صورت هویت، رفتار و تصمیم‌گیری شکل می‌گیرند و گاه با انتظارات، پیش‌بینی‌ها، امیدها و ترس‌ها مترادف می‌شوند.

تصاویر ذهنی از آینده می‌توانند در سطح فردی و اجتماعی^۲ شکل بگیرند. تصاویر فردی نشان می‌دهند افرادی که در مورد آینده می‌اندیشند بیش از آن‌هایی تکامل یافته‌اند که بدون هدف و بدون توجه به فردا لحظه‌ها را سپری می‌کنند. در سطح اجتماعی، تصاویر آینده نقشی مهم در درک تغییرات اجتماعی دارند، زیرا چنین تصاویری می‌توانند به غلبه بر موانع فرهنگی

1. Fred L. Polak

۲. منظور از سطح اجتماعی می‌تواند سطح جهانی، ملی، سازمانی یا حتی خانواده باشد.

یا اجتماعی پیش روی تغییر کمک کنند. به این معنا که چون تصاویر مثبت از آینده حس هویت مقصد را برای یک فرهنگ خاص ایجاد می‌کنند، توانایی تشویق شهروندان را برای پذیرش تغییرات اجتماعی دارند و برای کنار زدن موانع فرهنگی که ممکن است در مقابل مقصد جمعی قرار گیرند، به کار می‌آیند [۲۳].

از آنجا که تصاویر آینده عاملی تعیین‌کننده در اجتماع هستند و جوانان نیز بازیگران اصلی آینده خواهند بود، درک اینکه آن‌ها چه تصویرهایی در ذهن دارند بسیار حیاتی است [۲۰]. با توضیحاتی که ارائه شد، پژوهش در تصاویر ذهنی زنان جوان از آینده می‌تواند موضعی جذاب و درعین حال ضروری برای آینده‌پژوهان باشد. در این زمینه، در پژوهش حاضر تصاویر ذهنی زنان ایرانی متولد دهه ۱۳۷۰ استخراج و کلان‌روایت‌ها و خرده‌روایت‌های آنان از آینده تحلیل می‌شود.

پیشینه پژوهش

فردریک پولاک (۱۹۵۰) کتابی با عنوان *تصاویر آینده* نوشته و در آن برای اولین بار با نگاهی تاریخی، فلسفی و اجتماعی به بررسی نقش تصاویر آینده در فرهنگ‌های گوناگون و در طول تاریخ بشریت پرداخته است. او معتقد است زمانی که جامعه تصاویری مثبت از آینده دارد، نشاط و شکوفایی فرهنگی آن نیز روبه‌رشد خواهد بود و به محض افول این تصاویر مثبت، فرهنگ جامعه نیز رو به نابودی می‌رود. تبیین ایجاد تغییرات موفقیت‌آمیز در تصاویر آینده از دغدغه‌های پولاک در این کتاب بوده است [۲۱].

کابلی و تاپپو (۲۰۱۸) با استفاده از مصاحبه به استخراج تصاویر آینده در ذهن جوانان در فنلاند پرداختند و با روش تحلیل لایه‌ای علی، تحلیلی از آن‌ها ارائه داده‌اند. چهار تصویر استخراج‌شده عبارت‌اند از: ۱. زندگی با دلسردی، ۲. ترس و امید، ۳. زندگی به‌عنوان شانس برای فداکاری و ۴. حدس‌هایی از آینده [۱۸].

طاهری دمنه و مورگان (۲۰۱۸) درباره نقش تصاویر آینده در ایجاد هویت آینده اجتماع به نظرورزی پرداخته و مفهوم هویت مقصد^۱ را بسط داده‌اند. آن‌ها هویت مقصد را همان پیشران حرکت جمعی به سمت آینده می‌دانند [۲۳].

پورعزت (۱۳۸۲) تصویرپردازی از آینده را نوعی استراتژی اقدام در سیستم‌های اجتماعی می‌داند و مثال‌های متعدد از تلاش کشورهای پیشرو در القای تصاویر مطلوب خودشان به جوامع دیگر برمی‌شمرد. او واکنش فوق‌فعال و منجر به اقدام را از طریق ارائه تصویری متمایز از آینده به جامعه ممکن می‌داند [۱۰]. پورعزت (۱۳۸۴) در مقاله‌ای دیگر تحقق تمدن مطلوب را مستلزم پذیرش و باور عمیق ارزش‌های منبعث از آن تمدن می‌داند [۱۱].

طاهری دمنه (۱۳۹۴) در مطالعه‌ای تحلیلی تصاویر آینده‌جامعه ایرانی در ذهن جوانان تحصیل‌کرده کشور را با روش تحلیل لایه‌ای علی استخراج کرده است. تصاویر استخراج‌شده عبارت‌اند از: ۱. آثار تاریخی به‌جای‌مانده از گذشته، ۲. وزن زمان حال، ۳. حسرت‌ها و عجزها، ۴. حدس‌هایی درباره آینده، ۵. سایه جامعه، ۶. حسرت‌ها، عجزها و نداشته‌ها و ۷. فهم آینده. او با استفاده از روش تحلیل لایه‌ای علی برای هر لایه چهار مؤلفه استخراج کرده است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد تصاویر فردی و اجتماعی تا حد بسیار زیادی از شناخت فرد از جامعه، تاریخ و فرهنگ جاری جامعه متأثر است [۵].

طاهری دمنه و کاظمی (۱۳۹۷) به تحلیل تمایل به مهاجرت بین جوانان با مطالعه تصاویر آینده آن‌ها پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش نشان داد که سه تم اصلی یعنی: ۱. تصاویر ویران‌شهری از مبدأ، ۲. پیروی از یک همه‌گیری برای رفتن و ۳. جاذبه مقصد، تصاویر قوی محرک مهاجرت بین مطالعه‌شوندگان به شمار می‌آیند [۱۲].

روش پژوهش

پژوهش حاضر از منظر هدف توسعه‌ای است و در سنت پژوهش‌های کیفی انجام شده و در آن از روش‌های تحلیل مضمون و تحلیل روایت به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری‌شده استفاده شده است. تحلیل مضمون، روش کیفی معمول برای شناسایی، گزارش و تجزیه و تحلیل داده‌ها به منظور استخراج معانی تولیدشده از سوی مشارکت‌کنندگان در پژوهش است. همچنین، روایت‌ها مکانیسمی مرکزی برای ایجاد معانی‌اند [۱۶]. در این پژوهش، پرسش اصلی این است که تصاویر آینده در ذهن دختران متولد دهه ۱۳۷۰ کدام‌اند؟ پس از انجام دادن مطالعات کتابخانه‌ای و استفاده از نظر خبرگان سؤالاتی با دیدگاه روایتی برای رسیدن به پاسخ این پرسش تدوین شد. محققان برای محک میزان ورود نگاه‌های مبتنی بر جنسیت، سؤال‌ها را به دو دسته تقسیم کردند. پرسش‌های آغازین مصاحبه به صورت کلی آرای مصاحبه‌شوندگان را به‌صورت عام و فارغ از در نظر گرفتن جنسیت آن‌ها در مورد آینده واکاوی می‌کرد و پرسش‌های بخش دوم بر جنسیت مصاحبه‌شوندگان و نقش آن در آینده تأکید داشت. داده‌های این پژوهش از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته در میان دختران دانشجوی متولد دهه ۱۳۷۰ در شهر اصفهان جمع‌آوری شد. مشارکت‌کنندگان در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد در حال تحصیل بودند و جزء طبقه اجتماعی متوسط محسوب می‌شدند که با روش گلوله‌برفی و از رشته‌های تحصیلی متفاوت انتخاب شدند. فرایند مصاحبه تا مرحله اشباع نظری ادامه یافت. در کل ۹ مصاحبه انجام شد و سپس با استفاده از روش تحلیل مضمون، ۱۸۹ کد اولیه استخراج و ۸ مضمون اصلی به دست آمد. همچنین، تحلیل مضمون از سوی دو محقق انجام شد و مورد بحث قرار گرفت تا اعتبار آن تقویت شود. سپس با استفاده از روش تحلیل روایت، سعی شد کلان‌روایت‌ها و خرده‌روایت‌های زنان متولد دهه هفتاد از آینده استخراج و معنابخشی شود.

یافته‌های پژوهش

در جدول ۱، خرده‌روایت‌ها و کلان‌روایت‌های شکل‌گرفته از آن‌ها آمده است. این جدول عصاره‌ی یک تحلیل عمیق بر تک‌تک جملات حاصل از مصاحبه‌هاست که به‌دقت بعد از هر مصاحبه پیاده‌سازی شدند. در این پژوهش، هشت کلان‌روایت استخراج شد که هر یک چندین خرده‌روایت دارند. در ادامه، شرح کلان‌روایت‌ها و خرده‌روایت‌های آن‌ها، یا به‌عبارت دیگر شرح هر تصویر از آینده و قسمت‌های مختلف تشکیل‌دهنده آن آورده شده است.

جدول ۱. کلان‌روایت‌ها و خرده‌روایت‌های زنان متولد دهه ۱۳۷۰ از آینده

کلان‌روایت	خرده‌روایت
گام‌های کوچک و تغییرات تدریجی	ورود به دانشگاه و بازار کار کنش‌گری اعتباری
گذار از زندگی سنتی به زندگی مدرن	خانواده؛ گاهی همراه و گاهی ناهمراه نه این نه آن، هم این هم آن صد وصلهٔ نجسب
اجتماع بی‌آینده	جامعهٔ امید لازم بی‌تخیلی اجتماعی
رنگ من	هر چیزی برای خوشبختی یک زن لازمه دنیای متفاوت و بهتر فرزندانم فردای خوب من می‌سازم سوگ آینده
بهشت وطن	-----
سهم‌خواهی زنانه	روزگار زن جنبش زنانه جامعهٔ محروم از زن شایسته‌سالاری مهم‌تر از جنسیت آموزش آیندهٔ زنانه
آیندهٔ بی‌جنسیت	مالکان ناشناختهٔ آینده قهرمان ناشناختهٔ آینده برابری جنسیتی
همیشه‌مادر	-----

۱. در اینجا خرده‌روایتی شکل نگرفت. در واقع، اظهارنظرهای پاسخ‌دهندگان اینجا کاملاً صریح و بدون خرده‌روایت هستند.

همان‌طور که قبلاً اشاره شد، سؤال‌های این پژوهش در دو بخش کلی تنظیم شده بودند. بخش اول مربوط به استخراج روایتی عام از آینده بود و در بخش دوم سؤال‌ها با تأکید بر تفاوت‌های جنسیتی و جایگاه زنان در آینده طراحی شدند. به این ترتیب، از میان مضامین استخراج‌شده، پنج مضمون اول روایت‌هایی عام از آینده و سه مضمون بعدی روایت‌هایی زنانه از آینده‌اند. در نام‌گذاری روایت‌ها از عبارات استعاری استفاده شد تا درک بهتر و ماندگارتری در ذهن خوانندگان ایجاد کند. در ادامه به توضیح و تفسیر هریک از کلان‌روایت‌ها و خرده‌روایت‌های آن‌ها پرداخته شده است.

«گام‌های کوچک و تغییرات تدریجی» روایتی از آینده است که در آن هرگونه تغییر در آینده در ذهن مصاحبه‌شوندگان نتیجه برداشتن گام‌های کوچک در زمان حال است. ایجاد تغییر در آینده در بیان آن‌ها شامل دو مرحله است: تغییر در زندگی شخصی و تغییر در زندگی اطرفیان و در سطحی کلان‌تر در جامعه. خرده‌روایت دانشگاه مسیر بازار کار در اینجا توصیفی برای دلیل قرار گرفتن در مسیر تحصیلات دانشگاهی و ایجاد تغییر در زندگی شخصی است. مصاحبه‌شوندگان درس خواندن و وقت‌گذراندن در دانشگاه را راهی برای ادامه مسیر زندگی و یافتن شغل می‌دانند تا به این وسیله در زندگی شخصی خود تغییر ایجاد کنند.

خرده‌روایت دیگر، یعنی کنش‌گری اعتباری، بیانگر این است که زنان برای ایجاد تغییر در آینده خود و اطرفیان به دنبال استقلال هستند و این استقلال را از طریق درس خواندن و رسیدن به شغلی ثابت می‌جویند. از طرفی رسیدن به استقلال اقتصادی باعث پررنگ شدن نقش زنان در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی می‌شود و از سوی دیگر ورود گسترده آنان به عرصه‌های علمی موجب افزایش سطح آگاهی و مطالبه بیشتر از پیش‌خواسته‌های حقوقی آنان خواهد شد. بنابراین، ورود زنان به جایگاه‌های شغلی و اجتماعی شکل‌دهنده هویت مستقلی برای آنان به منظور ایجاد تغییر در آینده خواهد بود. در واقع، آن‌ها به‌واسطه نقش‌پذیری اجتماعی در قالب ورود به تحصیلات عالی و بازار اشتغال به دنبال تأثیرگذاری بر جامعه و ایجاد تغییرند و بدون این اعتبارها خود را منشأ اثر نمی‌دانند. همچنین، آن‌ها دایره اثرگذاری خود را در حد شعاع کوچکی در اطراف خود می‌بینند و به تأثیرگذاری در سطوح کلان و مدیریتی نمی‌اندیشند.

این روایت زنان از آینده البته جزء روایت‌های عام بود و در پاسخ به سؤالاتی در مصاحبه به دست آمد که هنوز اثر زن بودن در آن‌ها پرسیده نشده بود. گزاره‌های کلامی مانند: «به‌هرحال پشت این اهداف درسی اهداف کاری هم هست. آدم درس می‌خونه که به یه پیشرفت‌هایی برسه. یه سری پله ترقی رو طی کنه. فعلاً دارم به دکترا فکر می‌کنم. اهداف درسی و کاری اصلیه و زندگی شخصی حول اون پیش می‌ره»، «به‌واسطه شغلم می‌تونم عامل تغییر باشم» و «در حیطة رشته خودم یعنی اقتصاد می‌تونم تغییر ایجاد کنم»، شواهدی از این کلان‌روایت هستند.

کلان‌روایت «گذار از زندگی سنتی به زندگی مدرن»، روایت زنان از دوره گذار میان سنت و زندگی مدرن است. خرده‌روایت‌های این روایت عبارت‌اند از: «خانواده؛ گاهی همراه و گاهی

ناهمراه»، «نه این نه آن، هم این هم آن» و «صد وصلهٔ نجسب». این روایت از زمان حال آغاز می‌شود و تصویری از تقاطع آرزوها با خانواده را در زمان حال ارائه می‌دهد و به آینده می‌رسد. خانواده در نسبت با آرزوهای این زنان گاه همراه است و گاه مانعی عاطفی یا هنجاری. به این ترتیب، خرده‌روایت «خانواده؛ گاهی همراه و گاهی ناهمراه» شکل گرفت. با وجود این، آرزوهای آن‌ها نقشی مهم‌تر در تعیین اهداف و پیمودن مسیر آینده دارد. مصاحبه‌شوندگان در این پژوهش دو نوع تصویر از خانوادهٔ آینده در ذهن دارند: تصویری شخصی از خانوادهٔ مطلوب خود و تصویری عمومی از خانوادهٔ آینده. خرده‌روایت «نه این نه آن، هم این هم آن» روایتی از خانوادهٔ مطلوب آن‌ها در آینده است که در آن خانوادهٔ مناسب دورهٔ گذار، خانواده‌ای میان خانوادهٔ سنتی و مدرن با نقش‌های سنتی و سبک زندگی مدرن است.

گزاره‌های کلامی «محرک اصلی م اون آرزوها و اون دید مثبت به اون آرزوهاست و در کنار اون مسلماً خانواده هم هست»، «من به خاطر خانواده‌م خیلی محدودیت داشتم. فکر می‌کردم پیام دانشگاه این محدودیت‌ها برداشته می‌شه. دوست داشتم بهم اعتماد کنن.» شواهدی از متن مصاحبه‌ها برای این تصاویر از آینده هستند.

اما تصویر ذهنی مصاحبه‌شوندگان از خانوادهٔ آینده در خرده‌روایت «صد وصلهٔ نجسب» به‌عنوان خانواده‌ای با بنیان ضعیف تجسم پیدا می‌کند. در این خرده‌روایت، در خانوادهٔ آینده روابط اعضا خودخواهانه و فاقد فداکاری، ایثار و عاطفه است و شکل‌های جدید ازدواج مثل ازدواج سفید رواج یافته است و این تصویری آشفته از خانوادهٔ آینده در ذهن این زنان می‌سازد که اعضای آن در کنار هم مانند وصله‌های نجسب هستند. روایت‌گران این پژوهش آیندهٔ خانواده را خوشایند نمی‌دانند و به‌طور کلی خانوادهٔ آینده را از نظر ماهیت با خانوادهٔ امروز متفاوت می‌بینند و معتقدند در آینده خانه جایی برای خوابیدن و استراحت شبانه است، زندگی فردی اعضای خانواده بر زندگی خانوادگی ترجیح دارد، اعضای خانواده هر یک مشغول رسیدگی به امور خود است و به این ترتیب خرده‌روایت «صد وصلهٔ نجسب» در آینده شکل خواهد گرفت.

گزاره‌های کلامی «طبق روند کنونی آیندهٔ خوبی در انتظار نهاد خانواده نیست و به سمت غربی شدن پیش می‌ره» یا «خانواده در آینده یه جمع مکانیکی و دور از عاطفه است»، شواهدی از کلام راویان این خرده‌روایت است.

«اجتماع بی‌آینده»، کلان‌روایتی با خرده‌روایت‌های «جامعهٔ امیدلازم» و «بی‌تخیلی اجتماعی» است. این روایت در احساس ناامیدی اجتماعی ریشه دارد. به این معنا که زنان روایت‌گر اجتماع بی‌آینده معتقدند جامعه آرمان‌شهر ندارد؛ بنابراین امید لازم را برای رسیدن به تصویری جمعی از مقصدی جمعی در آینده را ندارد. جامعهٔ ناامید دست به دامان زمان حال دارد؛ جامعه‌ای که تصویری روشن از آینده ندارد و این برای زنان آزاردهنده است. پس آیندهٔ جمعی آینده‌ای مبهم و تاریک است. گزاره‌های کلامی مانند «من حس می‌کنم جامعهٔ ما رو به زواله تا رو به پیشرفت یا کمال»، «کسی نمی‌دوئه، کسی هم که می‌دوئه برا خودش

می‌دوئه در جهت کلی نمی‌دوئه. هر کسی فکر خودشه» شواهدی از این روایت آینده هستند. این نگاه در نظر آن‌ها نسبت به خانواده در آینده نیز جاری است. نگاهی که در آن خانواده به صورت کلی رو به اضمحال و نابودی است، ولی خانواده شخصی هریک از کنش‌گران مطلوب‌ترین وضع را از هر نظر دارد، زیرا هریک از آن‌ها تلاش خواهد کرد خانواده‌اش به سمت آینده تاریکی نرود که کل جامعه در مسیر آن است. در واقع، در سطح فردی شاهد امید و تلاش برای پیشرفت هستیم؛ اما در سطح جمعی، همان افراد تلاش‌گر و امیدوار فاقد امید اجتماعی هستند و برای جامعه آینده‌ای روشن نمی‌بینند. این تعارضی آشکار است که با مشکل‌ساز شدن امید اجتماعی در اکنون جامعه ایرانی خودش را نشان می‌دهد.

«رنگ من»، کلان‌روایت دیگر زنان متولد دهه ۱۳۷۰ از آینده است که در آن به‌وضوح خصوصیت جامعه ایرانی در حال گذار از وضعیت سنتی به مدرن مشاهده می‌شود. «هر چیزی برای خوشبختی یک زن لازمه»، «دنیای متفاوت و بهتر فرزندم»، «فردای خوب من»، «می‌سازم» و «سوگ آینده» از خرده‌روایت‌های این کلان‌روایت‌اند.

در این روایت از آینده، همه وجوه زندگی آینده رنگ فردگرایی و برتری منافع فردی به خود گرفته است؛ به این معنا که آن‌ها آینده بهتر را از آن خود می‌بینند. آینده «خود» را تنها «خود» شان می‌سازند و زندگی خانوادگی، شغلی و حرفه‌ای خیلی خوبی دارند و بدترین اتفاق آینده برای آن‌ها از دست دادن یکی از عزیزانشان، یعنی یکی از اعضای خانواده، خواهد بود. آرمان‌شهر این زنان توصیف خوشبختی‌های شخصی و فردی خودشان است و آینده‌ای سبز، پر از امید و روشن را برای خود پیشگویی می‌کنند. دنیای فرزندانشان دنیایی متفاوت‌تر به معنای بهتر است و این بهتر بودن در اصول خودشان ریشه دارد؛ به این معنا که فرزندان خود را با اصول خود تربیت می‌کنند، بنابراین حتماً زندگی و دنیای بهتری خواهند داشت.

گزاره‌های کلامی مانند «من شغل خوبی دارم. بچه‌هام می‌رن مدرسه. خودم و همسرم می‌ریم سر کار. من اون چیزایی که توی برنامه بوده، توی شرکت انجام می‌دم» و «آرمان‌شهر من زمانیه که شرایط اقتصادی، اجتماعی، خانوادگی، درسی و شغلی خوبی داشته باشم» شواهدی از این کلان‌روایت آینده هستند.

همه این موارد روایتی از آینده را شکل می‌دهد که توصیف‌گر فراگیری فردگرایی در آینده و رویگردانی زنان جامعه از خواسته‌ها و مطالبه‌های جمعی است و این یعنی خواسته‌ها، علایق، نگرانی‌ها و نیازهای فردی آنان نسبت به جمع در اولویت قرار خواهند گرفت. این کلان‌روایت یادآور کلان‌روند فردگرایی است، زیرا نتیجه منطقی جهانی شدن فرهنگی است [۳].

آخرین کلان‌روایت عام، یعنی «بهشت وطن»، آرزویی غالب در میان زنان متولد دهه ۱۳۷۰، برای آینده وطن است که در آن ایران از هر نظر، در زمینه علمی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی پیشرفت خواهد داشت و مؤلفه‌های فرهنگی هویتی ایرانی جای هژمونی فرهنگ غربی را خواهد گرفت. گزاره‌های کلامی مانند «دوست دارم کشورم بهترین کشور دنیا باشه»،

«کشورم خودکفا شده باشه در همه زمینه‌ها؛ اقتصاد، سیاست و اجتماع»، «مردم ما حتی سبک لباس پوشیدنشون هم غربیه. دلم می‌خواد از همه‌چیز خودشون استفاده بکنن»، شواهدی از این روایت آینده هستند. باید در نظر داشت که این کلان‌روایت فاقد خرده‌روایت بود و به‌وضوح در میان مصاحبه‌شوندگان تکرار می‌شد. بنابراین، به‌عنوان یک آرزوی اجتماعی می‌توان از آن یاد کرد.

سه روایت دیگر از آینده به پرسش‌هایی در مصاحبه مربوط می‌شوند که به صورت خاص در آن‌ها از آینده‌های زنانه سؤال شد.

کلان‌روایت «سهم‌خواهی زنانه» با خرده‌روایت‌های «روزگار زن»، «جنبش زنانه»، «جامعه محروم از زن»، «شایسته‌سالاری مهم‌تر از جنسیت» و «آموزش آینده زنانه» از خرده‌روایت‌های این کلان‌روایت‌اند.

در نظر مصاحبه‌شوندگان، سهم زنان از آینده بیشتر از مردان خواهد بود. زنان پیشران‌های تغییر جامعه‌اند و آینده زنانه رقم خواهد خورد. آینده زنانه به معنای آینده‌ای است که زنان در کنار حفظ خانواده، نقش و تأثیر سیاسی‌اجتماعی بسیار بیشتری نسبت به اکنون خواهند داشت. زنان در آینده آزادی بیشتری به دست خواهند آورد و راحت‌تر به خواسته‌هایشان خواهند رسید. این روایت آینده‌ای را به تصویر می‌کشد که در آن زنان بر صندلی قدرت کلان تکیه می‌زنند و تنها دلیل قرارگیری آنان در مدیریت کلان کشور شایستگی است.

در نظر مشارکت‌کنندگان، در ایران، با ادامه روندهای فعلی در کشور از جمله موانع قانونی، مردسالاری و تسلیم‌ناپذیری مردان در مقابل مدیر زن، حاکمیت نگاه‌های جنسیتی و بی‌تمایلی زنان برای رسیدن به مدیریت کلان کشور، آینده زنانه محقق نخواهد شد. پس جامعه ایرانی از شایستگی زنان برای اداره امور محروم خواهد شد.

آموزش، به‌خصوص آموزش دختران در سطوح مختلف، راهکاری برای تحقق آینده مطلوب مصاحبه‌شوندگان بود. همچنین، آن‌ها به راه‌اندازی جنبش‌های زنانه‌ای از جنس پایداری برای تغییر نگاه‌های مبتنی بر ناتوانی زنان تأکید می‌کردند. گزاره‌های کلامی مانند «سهم زن‌ها از آینده نه‌چندان دور با سهم مردها کاملاً برابر خواهد شد؛ حتی می‌شه بگی سهم زن‌ها از مردها خیلی بیشتر می‌شه... یعنی زن‌ها می‌تونن جامعه رو به سمتی که می‌خوان پیش ببرن»، «به نظر من جایگاه یه زن خیلی خوب می‌شه، نمی‌گم خیلی خوب می‌شه، ولی بهتر می‌شه. خیلی راحت‌تر می‌شه چیزایی رو که دوست داره به دست بياره» و «دوست دارم رئیس‌جمهور بشم، خوبه ولی خب خیلی سخته»، شواهدی از این روایت هستند.

«آینده بی‌جنسیت»، کلان‌روایتی با خرده‌روایت‌های «مالکان ناشناخته آینده»، «قهرمان ناشناخته آینده» و «برابری جنسیتی» از آینده است. نکته برجسته در این کلان‌روایت و خرده‌روایت‌های آن، این است که در زندگی و تفکر زنان دهه هفتادی مطالعه‌شده این پژوهش مفهوم برتری زنان ورود و نفوذ نکرده است. به این معنا که در نظر آنان جنسیت در تعیین مالکان

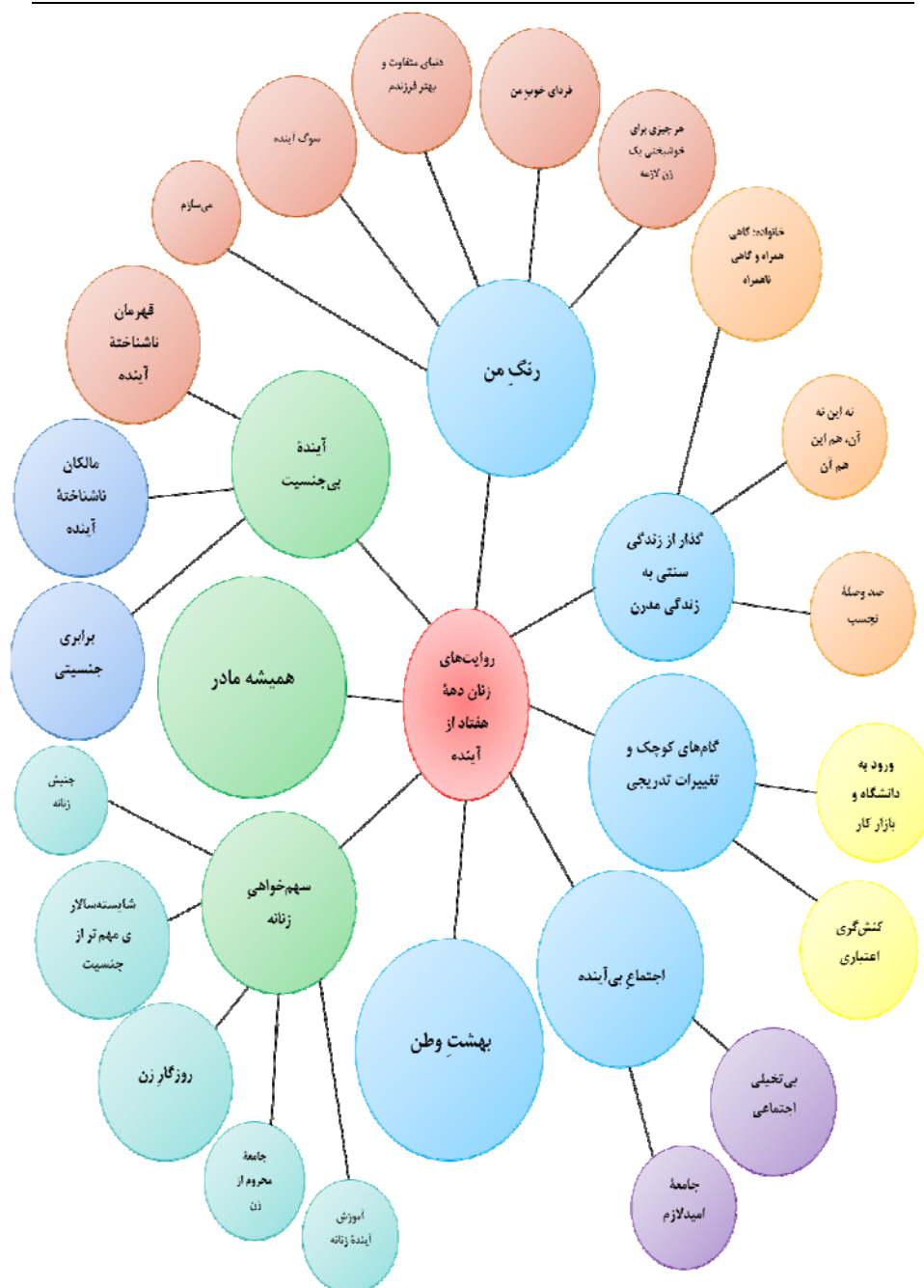
آینده و قهرمان زندگی آن‌ها نقشی ندارد. این روایت در پاسخ به سؤالاتی مانند: «مالکان آینده چه کسانی هستند»، «قهرمان زندگی شما کیست؟» و آیا می‌دانید آینده زنانه چیست و آیا دوست دارید شکل بگیرد؟» به دست آمد. گزاره‌های کلامی مانند «تعادل این دوتا با هم رو بیشتر می‌پسندم، یعنی یه جامعه‌ای که هم زن باشه هم مرد، یعنی هم زن توش فعال باشه هم مرد، باهم پیشش برن. نه حالا فقط نگاه اینکه زن‌ها جامعه رو پیش ببرن» مؤید این تصویر از آینده است.

این زنان آینده را بدون برتری‌جویی جنسیتی آینده‌ای مطلوب می‌دانند و آینده زنانه را آینده‌ای زن‌سالارانه تلقی نمی‌کنند و در پی تلافی روندهای به گواه خود مردسالارانه زمان گذشته و حال نیستند. آن‌ها تحقق آینده زنانه را فقط در حاکمیت شایسته‌سالاری، خارج از نگاه‌های جنسیتی، برمی‌شمارند. به عبارت بهتر، آن‌ها به دنبال تعادل در دو کفه ترازوی مسئولیت‌ها، وظایف و حقوق آینده‌اند و فرصت‌های برابر در آینده، تغییر دیدگاه تبعیض‌آمیز و محدودکننده زنان را در رسیدن به آینده مطلوب کشور خواستارند.

آخرین کلان‌روایت حاصل از این پژوهش، با عنوان «همیشه‌مادر»، روایتی غالب از آینده است که در آن مصاحبه‌شوندگان به اتفاق وظیفه منحصربه‌فرد و خاص خود را، به‌عنوان یک زن در آینده، ایفای درست نقش «مادری» می‌دانند. آن‌ها مادری را از نقش‌های محوری خود در آینده می‌بینند و بار تربیت نسل بعد را بر دوش خود احساس می‌کنند. با این تفاوت که خود را مادرانی توانمندتر از مادران نسل‌های گذشته می‌دانند، زیرا آگاهی‌هایشان افزایش یافته و شرایط و جایگاه اجتماعی اقتصادی‌شان رو به بهبود است. نکته شایان توجه این است که زنان در روایت «گام‌های کوچک و تغییرات تدریجی» به دنبال کسب هویتی مستقل برای خود هستند؛ هویتی که در گذار از هویت جنسیتی سنتی به مدرن به دست می‌آید. اما به نظر می‌رسد در روایت «همیشه‌مادر»، تجربه نقش مادری را برای تکمیل هویت مستقل خود ضروری می‌پندارند.

گزاره‌های کلامی مانند «تو زندگی خودم احساس می‌کنم بازم اون بنیان اصلی‌ش رو زن می‌چرخه، یعنی خودم همیشه به این فکر می‌کنم که من بیشتر از این چیزی که می‌خوام به کارمند خوب یا یه رئیس خوب باشم، باید یه مادر و همسر خوب باشم» و «حفظ بنیان خانواده وظیفه اصلی یه زنه، واقعاً این رو اعتقاد دارم خوبه که یه زن بتونه اول بنیان خانواده‌ش رو نگه داره و بعد وظیفه بیرون» شواهدی از این روایت هستند. بنابر گزاره‌های کلامی، همچنان حفظ بنیان خانواده، تزریق آرامش به آن و ایفای درست نقش همسری در خانه باید از سوی زن انجام شود.

همچنین، تقریباً همه شرکت‌کنندگان در پژوهش به کلان‌روایت «همیشه‌مادر» مانند کلان‌روایت «بهشت وطن» به صورت صریح اشاره کرده‌اند. این بدین معناست که این دو روایت از آینده در ذهن زنان به تصاویر صریحی از آینده تبدیل شده‌اند. نمودار ۱ هشت کلان‌روایت و خرده‌روایت‌های هر یک را نشان می‌دهد تا تجسمی کلی از نتایج تحقیق ارائه دهد. در ترسیم نمودار سعی شده است اندازه هر روایت به نوعی نشان‌دهنده میزان اشاره به آن در کل مصاحبه‌ها باشد. بنابراین، روایت‌های پر اشاره با دایره‌های بزرگ‌تر نشان داده شده‌اند.



شکل ۱. نمایی کلی از روایت‌ها و خرده‌روایت‌های آینده در ذهن مصاحبه‌شوندگان

بحث و نتیجه‌گیری

تصاویر آینده موضوعاتی با اهمیت بنیادین‌اند که در آینده‌پژوهی بررسی می‌شوند و بحث‌های گسترده بسیاری در دیگر رشته‌ها و زمینه‌های علمی دارند. آینده‌پژوهان به تشخیص و درک تصاویر گوناگون از آینده علاقه‌مندند. درک اینکه چرا افراد خاص تصویرهای مشخصی از آینده، در مقایسه با سایر تصاویر ممکن، دارند، چطور تصویرهای متفاوت از آینده به کنش یا بی‌کنشی در زمان حال منجر می‌شوند و چطور کنش‌ها یا بی‌کنشی‌های کنونی به خودی خود جنبه‌های خاصی از آینده را ایجاد می‌کنند.

کنش تصاویر آینده در کنار فشار زمان حال و وزن زمان گذشته به واقعیت اجتماعی جامعه شکل می‌دهند. در نتیجه، تصاویر آینده می‌توانند بر زندگی و سرنوشت انسان تأثیر بگذارند. تصاویر آینده در ذهن افراد، گروه‌ها یا نهادها و به عبارت دیگر، همه کنش‌گران متفاوت در هر سطح از جامعه وجود دارند و پیوسته رشد می‌کنند. آن‌ها می‌توانند به اشتراک گذاشته شوند، پذیرفته شوند، شکسته شوند و تغییر کنند. می‌توانند کاملاً از نو ساخته شوند و به صورت‌های مختلف از آن‌ها دفاع شود. بنابراین، تصاویر آینده می‌توانند دسته‌بندی و ارزیابی شوند. به‌خصوص مطالعه و ارزیابی تصاویر آینده در ذهن جوانان اهمیت دارد، زیرا جوانان صاحبان و مدیران اصلی آینده‌اند.

در این پژوهش، تلاش شد با روش کیفی به تحلیل و تفسیر روایت‌های شکل‌گرفته در ذهن دختران متولد دهه ۱۳۷۰ از آینده پرداخته شود. نتایج این تحقیق بیانگر دوران گذار و خواست و تلاش دختران ایرانی برای سهم‌داشتن در این گذار و دوران بعد از آن است. سهم بالای زنان ایرانی در به‌دست‌آوردن صندلی‌های دانشگاه، کاهش نرخ باروری طی چند دهه گذشته و تلاش زنان برای رسیدن به آزادی‌های مدنی و جایگاه‌های سیاسی و اجتماعی، نمودهایی از این دوران گذار را به تصویر می‌کشند.

دختران متولد دهه ۱۳۷۰ به‌واسطه دو مقوله مدرک دانشگاهی و شغل به‌دنبال اثرگذاری بر جامعه‌اند. این همان گام‌های تدریجی ورود زنان به جامعه به‌شمار می‌آید که آمار مربوط به نسبت‌های جنسیتی در دانشگاه‌ها و بازار کار مؤید آن است. خانواده، که از نهاد‌های کهن انسانی است، موجودیتی دوگانه در ذهن مصاحبه‌شوندگان دارد. از یک‌سو بزرگ‌ترین ترس آن‌ها از دست دادن خانواده است که این مسئله نشان‌دهنده وابستگی آن‌ها به خانواده است و از سوی دیگر خانواده را مانعی برای پیشرفت خود می‌دانند و این نشان‌دهنده دوگانگی و بلاتکلیفی زنان جوان در ارتباط با نهاد خانواده است که با وجود رشد روندهایی مانند فردگرایی، تجرد و خانواده‌های تک‌فرزند در آینده ابعاد پیچیده‌تری پیدا خواهد کرد.

روایت دیگر دختران متولد دهه ۱۳۷۰ از آینده مؤید رشد فردگرایی در میان آن‌هاست. البته تحقیقات دیگر نشان می‌دهند که تصاویری از آینده، که مؤید فردگرایی‌اند، یک ویژگی

عمومی جوامع جهانی امروزی و همچنین کشور ایران هستند [۵ و ۶] و این تصاویر از آینده مربوط یا مخصوص زنان نیست.

نتیجه دیگر این پژوهش این است که با وجود رشد فردگرایی میان متولدان دهه ۱۳۷۰ و جایگاه نامعلوم خانواده در نگاه آنان، آن‌ها نقش مادری را نقشی انکارناپذیر و جدانشدنی از خود در آینده می‌دانند و تصویری از خانواده‌ای در آینده در ذهن آن‌هاست که در آن نقش مادری و همسری را ایفا می‌کنند. از این منظر مشخص است که نقش مقدس مادری به‌عنوان تصویری ثابت از آینده شخصی در ذهن این گروه از جامعه وجود دارد.

نتیجه چشمگیر دیگر برابری خواهی و نه برتری خواهی جنسیتی دختران در آینده است. از نگاه مصاحبه‌شوندگان جنسیت مانع پیشرفت نیست و البته عامل پیشرفت هم نیست. آن‌ها خواستار جامعه‌ای هستند که فارغ از جنسیت، امکان و بستر رشد را برای همه فراهم آورد. این نگاه تا حد زیادی مخالف دیدگاه کسانی است که به آینده‌های زنانه به معنای آینده‌هایی با برتری و سلطه جنسیتی زنان اعتقاد دارند.

نتایج کلی این پژوهش نشان می‌دهد که فردگرایی و ناامیدی، دو مولفه فراگیر در تصاویر آینده بین دختران متولد دهه هفتاد است. اما از سوی دیگر سه مولفه دیگر در تصاویر آینده مصاحبه‌شوندگان، یعنی برابری خواهی جنسیتی، پذیرش نقش مادری و تصویر مثبت از آینده ایران، تصاویر ذهنی بسیار مهم و امیدوارکننده‌ای هستند که به نظر می‌رسد سیاست‌گذاران و دغدغه‌مندان مسائل زنان باید راهکارهایی برای بروز درست و به‌موقع آن‌ها فراهم کنند. از آنجا که این پژوهش توسعه‌ای و با هدف نظریه‌سازی در سنت پژوهش‌های کیفی انجام گرفته است، نتایج آن تعمیم نمی‌یابد و یافته‌های این پژوهش به‌مثابه فرضیاتی هستند که لازم است در تحقیقات آمیخته و کمی بعدی به‌صورت گسترده‌تری به محک گذاشته شوند.

منابع

[۱] ایسنا، (۱۳۹۸):

- <http://www.isna.ir/news/98041910098/%D9%85%D8%B4%D8%A7%D8%B1%D8%A9%D8%AA-%D8%A7%D9%82%D8%AA%D8%B5%D8%A7%D8%AF%DB%8C-%D9%85%D8%B1%D8%AF%D8%A7%D9%86-%D8%A8%DB%8C%D8%B4%D8%AA%D8%B1-%D8%A7%D8%B2-%D8%B2%D9%86%D8%A7%D9%86-%D8%A7%D8%B3%D8%AA>
- [۲] پیشگاهی فرد، زهرا؛ پولاب، ام‌البنین (۱۳۸۸). «آینده‌پژوهی وضعیت اشتغال زنان در منطقه خاورمیانه با تأکید بر جایگاه ایران»، زن در توسعه و سیاست، س ۳، ش ۷، ص ۸۹-۱۰۶.
- [۳] خواجه‌نوری، بیژن؛ پرنیان، لیلا؛ جعفری، مازیار (۱۳۹۲). «مطالعه رابطه جهانی شدن فرهنگی با فردگرایی و جمع‌گرایی جونان: مورد مطالعه شهر شیراز»، جامعه‌شناسی کاربردی، س ۲۴، ش ۵۲، ص ۴۳-۶۶.

- [۴] درویشی سه‌تلائی، فرهاد؛ همتی، زهره (۱۳۹۶). «سناریوهای پیش روی حضور زنان ایرانی در عرصه سیاست ۱۳۹۶-۱۴۰۶، یک بررسی آینده‌پژوهانه»، زن در توسعه و سیاست، س ۳، ش ۱۶، ص ۳۷۹-۳۹۶.
- [۵] طاهری دمنه، محسن (۱۳۹۴). «بررسی تحلیلی تصاویر آینده‌جامعه ایرانی در ذهن جوانان تحصیل‌کرده کشور براساس روش تحلیل لای‌های علی (CLA)»، پایان‌نامه دکتري، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران.
- [۶] طاهری دمنه، محسن (۱۳۹۷)، «تحلیلی آینده‌پژوهانه در بن‌مایه‌های سازنده تصاویر آینده»، فصل‌نامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، س ۸، ش ۲۹، ص ۴۵-۶۵.
- [۷] فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۹۷/۰۲/۲۵): سایت فرهنگ‌شناسی:
<http://farhangshenasi.ir/article/fs-172/%D9%85%D8%B3%D8%A7%D9%84%D9%87-%D9%86%D8%B3%D9%84-%D9%88-%D9%85%D8%AA%D9%88%D9%84%D8%AF%DB%8C%D9%86-%D8%AF%D9%87%D9%87-%D9%87%D9%81%D8%AA%D8%A7%D8%AF>
- [۸] فیشر، هلن (۱۳۹۵). جنس اول، توانایی‌های زنان برای دگرگونی جهان، ترجمه نغمه صفاریان، تهران: نشر نو.
- [۹] مرکز آمار ایران (۱۳۹۶ و ۱۳۹۷)، نتایج طرح آمارگیری نیروی کار:
<https://www.amar.org.ir/Portals/0/News/1397/nirooye%20kar1-97.pdf>
- [۱۰] پورعزت، علی‌اصغر (۱۳۸۲)، «تصویرپردازی از آینده: استراتژی اقدام در سیستم‌های اجتماعی»، سخن سمت، ش ۱۰، ص ۳۱-۵۲.
- [۱۱] پورعزت، علی‌اصغر (۱۳۸۴)، «تصویرپردازی بصیرت بخش از آینده موعود: استراتژی فوق فعال انتظار شهر عدل در ایران»، کمال مدیریت، ویژه‌نامه مدیریت دولتی و چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران، ش ۸ و ۹، ص ۸۹-۵۷.
- [۱۲] طاهری دمنه، محسن؛ کاظمی، معصومه (۱۳۹۷). «تمایل به مهاجرت در بین جوانان؛ مطالعه‌ای کیفی در تصاویر آینده». فصل‌نامه علمی پژوهشی مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، س ۱۰، ش ۴، ص ۵۳-۷۸.
- [13] Bell, W. (2003). Foundations of futures studies: History, purposes, and knowledge. Volume 1, Human science for a new era. New Brunswick: Transaction Publishers.
- [14] Dator, J. (2002). "Introduction: The future lies behind-Thirty years of teaching futures studies". *American Behavioral Scientist*, 42, 3, PP 298-316.
- [15] European Parliamentary Research Service, (2019), "Women in politics: A global perspective".
[https://www.europarl.europa.eu/RegData/etudes/BRIE/2019/635543/EPRS-BRI\(2019\)635543_EN.pdf](https://www.europarl.europa.eu/RegData/etudes/BRIE/2019/635543/EPRS-BRI(2019)635543_EN.pdf)
- [16] Floersch, J. Longhofer, J. L, Kranke, D. Townsend, L. (2010). "Integrating thematic, grounded theory and narrative analysis: A case study of adolescent psychotropic treatment". *Qualitative Social Work*, 9, 3, PP 407-425.
- [17] Geramn convention bureau, (2014), "meeting and convention 2030: a study of

- megatrends shaping our industry".
<https://www.izt.de/fileadmin/publikationen/GCB-zukunftsstudie-en-final-np.pdf>
- [18] Kaboli, S. A, Tapio, P. (2017). "How late-modern nomads imagine tomorrow? A Causal Layered Analysis practice to explore the images of the future of young adults". *Futures*, 96, PP 32-43.
- [19] Masini, E. B. (1987). "Women as builders of the future". *Futures*, 19, 4, PP 431-436.
- [20] Ono, Ryota (2003), "learning from young people's image of the future: a case study in Taiwan and use", *Futures*, 35, PP 737- 758.
- [21] Polak, Fred. (1973), *the image of the future*, Elsevier: Amsterdam.
- [22] Rubin, A. (2013). "hidden, inconsistent, and influential: images of the future in changing times". *Futures*, 45, PP 38-44.
- [23] Taheri Demneh, M., Morgan, D. (2018). "Destination Identity: Futures Images as Social Identity". *Futures Studies*, 22, 3, PP 51-64
- [24] The Millennium Project. (2019). "15 global challenges, global challenge 11: How can the changing status of women help improve the human condition?"
- [25] UNESCO. (2018). "Global education monitoring report gender review 2018: Meeting our commitments to gender equality in education"